



تحریم بنزین

اجرای آن را اجتناب ناپذیر اعلام کند و هم افکار عمومی را بیش از پیش علیه آمریکایی‌ها جهت بدهد که آن‌ها موجب بروز این محدودیت و مشکل هستند. عده‌ای دیگر نیز بر این عقیده بودند که چنین تحریمی افکار عمومی را علیه دولت تحریک خواهد کرد و مردم این فشارهای خارجی را از چشم دولت و سیاست‌ها و تعاملات خارجی آن خواهند دید و این موجب تشدید تضاد دولت و ملت در ایران خواهد شد. در هر حال در آن زمان جمع‌بندی روشنی در این زمینه در میان تصمیم‌گیران مذکور وجود نداشت و شاید به همین دلیل بود که این طرح نهایتاً به تصویب نرسید.

اما از آن زمان تاکنون شرایط تغییرات بسیاری داشته است. طرح کارت سوخت و سهمیه‌بندی بنزین به طور کامل به اجرا درآمده و نتایج خود را آشکار نموده است و علیرغم همه تمهیدات، هنوز حدود چهل درصد بنزین مصرفی کشور از محل واردات تأمین می‌شود. البته سهم بنزین وارداتی از نظر اهمیت بیش از چهل درصد است چرا که کیفیت بنزین داخلی پایین است و از طریق مخلوط شدن با بنزین با کیفیت‌تر (با اکتان بالاتر) وارداتی است که به حد قابل قبول و قابل عرضه می‌رسد. علاوه بر این دولت در یکی دو سال گذشته علی‌رغم محدودیت‌های قوانین بودجه در مورد میزان واردات بنزین، با وارد

لایحه تحریم فروش بنزین به ایران نهایتاً در کنگره آمریکا به تصویب رسید. ظاهراً این مصوبه (احتمالاً پس از تصویب در سنا) به رئیس جمهوری ایالات متحده اجازه می‌دهد که تحریم‌هایی را علیه شرکت‌هایی که به ایران بنزین بفروشند و یا در زمینه افزایش تولید بنزین با ایران همکاری کنند، وضع نماید.

مسئله تحریم فروش بنزین به ایران مسئله جدیدی نیست و مدت‌ها قبل و در زمان ریاست جمهوری بوش نیز در دستور کار کنگره آمریکا قرار گرفته بود. اما در آن زمان نهایتاً به تصویب نرسید. در آن زمان ایران در حال اجرای طرح توزیع کارت‌های سوخت به منظور کنترل و سهمیه‌بندی بنزین بود و یکی از بحث‌های مطرح در بین سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران آمریکایی این بود که آیا چنین تحریمی عملاً به نفع دولت ایران است و یا دولت را تحت فشار قرار می‌دهد؟ عده‌ای بر این عقیده بودند که ممکن است دولت ایران از چنین تحریمی استقبال کند و به واسطه این تحریم هم طرح سهمیه‌بندی بنزین را به راحتی و با توجیه قوی‌تر به اجرا درآورد و

در سرویس تولید بنزین قرار داد و احتمالاً طرح های ویژه دیگری هم تهیه شده یا در دست تهیه است. اما در هر حال همین تلاش ها بخشی از وقت و توان سازمان و مدیران را فرسایش می دهد.

از منظری دیگر نیز می توان به موضوع نگرینست. در حال حاضر با توجه به بحران اقتصادی جهان، عرضه مازاد بنزین در بازار جهانی وجود دارد و با عبور از فصل تابستان این مازاد عرضه بیشتر نیز خواهد شد. فصل تابستان هم فصل رانندگی و سفرهای جاده ای خصوصاً در ایالات متحده به عنوان بزرگ ترین مصرف کننده بنزین جهان است و هم فصل نگرانی از طوفان های موسمی که می تواند موجب توقف فعالیت تأسیسات نفتی شود و این نگرانی به نوبه خود انتظاراتی را به وجود می آورد که موجب افزایش تقاضای ذخیره سازی برای نفت و فرآورده های نفتی می شود. بنابراین با پایان تابستان تقاضای بنزین کاهش خواهد یافت و همان گونه که اشاره شد مازاد عرضه بنزین فزونی خواهد گرفت، در چنین شرایطی ممکن است برخی از دارندگان بنزین حاضر به از دست دادن بازار مهمی مانند ایران نباشند و در جهت منافع خود از منویات ایالات متحده، به صورت کامل تبعیت نکنند و حاضر باشند که بنزین را مع الواسطه به ایران بفرروشند. در این صورت امکان تأمین بنزین برای ایران وجود خواهد داشت اما طبیعی است که محدودیت ها و روش های غیرمستقیم برای تأمین بنزین موجب افزایش هزینه ها خواهد شد. برخی از اهل فن این افزایش را بین ۳۰ تا ۴۰ درصد پیش بینی می کنند. همین افزایش در هزینه های ارزی کشور نیز ممکن است از جمله هدف های تصویب کنندگان طرح تحریم بنزین بوده باشد.

در هر حال امروز و خصوصاً در مقوله بنزین شاهد این واقعیت هستیم که بی مبالاتی در مصرف انرژی در شرایطی حتی می تواند به یک عامل تهدید برای امنیت ملی تبدیل شود و لذا موضوع مدیریت و کنترل مصرف انرژی، علاوه بر سایر جنبه های اقتصادی و زیست محیطی، جنبه سیاسی-امنیتی هم به خود می گیرد. تجربه سهمیه بندی، افزایش قیمت و دوگانه کردن قیمت بنزین، شاید امروز به روشنی این درس را برای مادر بر داشته باشد که تنها با ابزار قیمتی نمی توان مسأله را حل کرد، راه حل نهایی، اصلاح الگوی حمل و نقل و نیز الگوی مصرف بنزین و رسیدن به استانداردهای بین المللی در بازدهی خودروها و دیگر اقدامات اساسی است. و البته اصلاح الگوی مصرف سوخت و انرژی در کشور نباید به مسأله بنزین محدود شود. امروز بنزین پتانسیل تبدیل شدن به یک تهدید را پیدا کرده است اما با ادامه این روند، فردا ممکن است علاوه بر بنزین، یکی دیگر از حامل های انرژی و یا فرآورده های نفتی نیز این پتانسیل را پیدا کنند. این موضوعی است که به یقین از چشم تصمیم سازان زمین انرژی کشور دور نخواهد ماند. ■

مدیر مسئول

کردن بنزین به میزان بیش از حد مجاز مصوب در بودجه کل کشور و با اعلام سهمیه های بیش از نظر نمایندگان مجلس، در عمل نشان داده است که حساسیت ویژه ای را برای مقوله بنزین قائل است و آن را در مقبولیت اجتماعی خود مؤثر می داند. همچنین به دنبال دهمین انتخابات ریاست جمهوری و حوادث و تحولات بعد از آن، شرایط سیاسی کشور تغییر نموده و حساسیت ها افزایش یافته است و شاید با توجه به همین عوامل است که این بار و در این شرایط، طرح تحریم بنزین در کنگره آمریکا به تصویب می رسد.

در ایران گازوئیل و بسیاری از کالاهای دیگر هم وارد می شود. به عنوان مثال کمبود گازوئیل، فصلی و موقت، آن هم فقط در شرایط حداکثر مصرف بوده و میزان این کمبود نیز بستگی به شرایط جوی و شدت سرما دارد. اما بنزین کالایی است که آحاد جامعه دائماً و مستقیماً با آن ارتباط دارند؛ کمبود آن مستمر است؛ و امکان واردات و ذخیره سازی آن نیز نامحدود نیست. به دلیل توسعه یافته بودن سیستم حمل و نقل عمومی در کشور و محدودیت هایی (مانند فرسودگی ناوگان هوایی) که در حال تشدید است، وابستگی جامعه به بنزین در حال افزایش است و کمبود بنزین می تواند به سرعت بازتاب پیدا کند.

البته تصویب طرح تحریم بنزین، با سیاست جدید آمریکا در مقابل ایران نیز بی ارتباط نیست. وقتی کسی به دنبال مذاکره است طبعاً قبل از آن، آتش تهیه می ریزد که در مذاکره جایگاه برتر را داشته باشد و طبعاً این آتش تهیه را در جایی می ریزد که بیشترین تأثیر را بگذارد.

بعضی از مقامات غربی می گویند درآمد نفت و گاز، خصوصاً در شرایط بالا بودن نسبی قیمت های جهانی، حکومت های نامطلوب را تأمین مالی و در واقع تقویت می کند. صنعت نفت ایران به عنوان تأمین کننده اصلی درآمد کشور در حال حاضر دستخوش مشکلات فراوانی است. شرایط داخلی و مشکلات بین المللی کشور امکان پیش بردن پروژه های بزرگ این صنعت را سلب کرده است. با توجه به گستردگی تصدی گری در صنعت نفت کشور، معمولاً تأمین به موقع و کافی کالایی مانند بنزین، که مورد حساسیت کل جامعه است، نیازمند وقت و توان زیادی در مجموعه مدیریت صنعت نفت است، زیرا تنها یک شبکه مدیریت بسیار توانمند می تواند در چنین شرایطی مشکلات روزمره تأمین چنین کالاهای حساسی را حل و فصل کند و در همان حال پروژه های مهم و زیربنایی بخش بالادستی و حفظ و افزایش سطح تولید را نیز پیگیری و راهبری نماید. بنابراین دست و پنجه نرم کردن با مشکلی به نام بنزین در کنار مشکلاتی که مذکور افتاد، روند پروژه های عمده تولیدی را کندتر نموده و در میان مدت درآمدهای کشور را به خطر می اندازد.

به عنوان مثال گفته می شود در شرکت ملی صنایع پتروشیمی طرحی تهیه شده است که در صورت بروز شرایط اضطراری بتوان خط تولیدات برخی از واحدهای پتروشیمی را تغییر داد و آن ها را